حادثه‌ها

جواب آزمایشات پزشکی‌قانونی در رابطه با قتل ستایش آماده شد

● مدیرکل پزشکی‌قانونی تهران گفت: جواب آزمایشات پزشکی‌قانونی در رابطه با قتل دختربچه شش‌ساله افغان در ورامین آماده شده است. «مسعود قادی‌پاشا» گفت: جواب آزمایشات قتل دختربچه شش‌ساله افغان در ورامین آماده شده است و علت فوت تا امروز به مرجع قضائی مربوطه اعلام خواهد شد. غلامحسین اسماعیلی، رئیس کل دادگستری تهران، نیز در تشریح آخرین وضعیت پرونده قتل دختر شش‌ساله افغان در ورامین اظهار کرد: در رابطه با پرونده حادثه ورامین تاکیدات زیادی صورت گرفته و در پیگیری‌هایی که شخصا انجام داده‌ام مکررا تاکید شده است که فرایند دادرسی این پرونده در حوزه قضائی شهرستان ورامین در اسرع وقت و با دقت انجام شود. رئیس کل دادگستری استان تهران افزود: رسیدگی به این پرونده با بررسی همه‌جانبه ابعاد موضوع در حال انجام است و بعد از رسیدگی مقدماتی دادسرا، رسیدگی نهایی آن برعهده دادگاه کیفری یک استان است که هماهنگی‌های اولیه انجام شده تا به محض تکمیل تحقیقات توسط دادسرا، امر رسیدگی نهایی در دادگاه کیفری یک استان تهران با سرعت و وفق موازین قانونی انجام شود. وی تصریح کرد: پس از اعلام نظر پزشکی‌قانونی و تکمیل فرایند دادرسی به تمام ابعاد احتمالی این فاجعه رسیدگی خواهیم کرد.

کینه‌توزی، انگیزه جنایت

● مرد کینه‌توزی که در شهر برازجان دست به جنایتی هولناک زده بود، توسط پلیس شناسایی و دستگیر شد. روز شنبه جنایتی مرگبار در شهر برازجان توسط مردی ۴۴ساله رقم خورد. در این حادثه مردی با دردست‌داشتن سلاح گرم مقابل خانه پسرعموی خود رفت و پس از یک مشاجره چنددقیقه‌ای اقدام به تیراندازی کرد. پسرعموی ۵۲ساله به نام ناصر با اصابت پنج گلوله از پای درآمد و پس از انتقال به بیمارستان ۱۷ شهریور برازجان به دلیل شدت جراحات جان خود را از دست داد. سردار حیدر عباس‌زاده، فرمانده انتظامی استان بوشهر، درباره این خبر گفت: متهم در همان ساعات اولیه جنایت دستگیر شد و به قتل پسرعمویش به دلیل کینه و مشکلات خانوادگی اعتراف کرد. پرونده متهم برای بررسی و سیر مراحل قانونی در اختیار مقام قضائی قرار گرفت.

مرد متهم به قتل در دادگاه اعتراف کرد

همسرکشی تحت‌تأثیر شیشه

شرق: مردی که همسرش را حین درگیری به قتل رسانده است، وقتی پای میز محاکمه رفت مدعی شد روز حادثه در حالت عادی نبوده و نمی‌دانسته که چه می‌کند. به گزارش خبرنگار ما، متهم پرونده که مردی ۳۴ساله است، روز گذشته در شعبه ۱۰ دادگاه کیفری استان تهران پای میز محاکمه رفت و هرچند اتهام قتل را قبول کرد اما گفت به‌خاطر مصرف شیشه در حالت عادی نبوده است. مأموران پلیس آذر سال ۹۲ باخبر شدند زن جوانی در جنوب تهران با ضربات چاقو به قتل رسیده است و ضارب کسی نیست جز همسر او. زمانی که مأموران تحقیقات خود را آغاز کردند متوجه شدند این زن فریبا نام دارد و چندسال قبل با اسد، همسرش، ازدواج کرده و با هم زندگی می‌کردند. آن‌طور که نزدیکان این زوج گفته‌اند آنها از مدت‌ها قبل به دلیل اعتیادی که اسد داشت با هم درگیری داشتند و حتی چندین‌بار اسد همسرش را به باد کتک گرفته بود. والدین فریبا به مأموران گفتند: دخترمان سال‌ها با این مرد زندگی کرد اما آنچه باعث شده بود این اتفاق بیفتد، اعتیادی بود که دامادمان داشت. او با پولی که دخترمان درمی‌آورد مواد می‌خرید. هیچ‌وقت سر کار نمی‌رفت و همیشه هزینه زندگی را دختر ما می‌داد. وقتی متهم بازداشت شد و مورد بازجویی قرار گرفت، به قتل همسرش اعتراف کرد و گفت: من همسرم را دوست داشتم و زندگی خوبی با هم داشتیم تا اینکه من معتاد شدم. زنم از این اعتیاد ناراحت بود و مرتب

به من می‌گفت که باید خودم هزینه خانه را بدهم و از اینکه مجبور بود کار کند ناراحت بود. اوایل من درآمد داشتم اما بعد به خاطر اعتیادم کارم را از دست دادم و دیگر کسی نبود که به من کار بدهد. روز حادثه مواد مصرف کرده بودم. زنم از سر کار آمد و با هم جروبحث کردیم. من اصلا حالم خوب نبود. به او گفتم تمامش کن اما عصبانی شد و گفت تو حق نداری با پولی که من درمی‌آورم شیشه بخری. او را کتک زدم، خیلی ناراحت شدم، اصلا کارهایم دست خودم نبود و نمی‌دانم چطوری همسرم را کشتم، فقط وقتی به خودم آمدم متوجه شدم زنم مرده است. با توجه به اعترافات متهم و نظریه پزشکی‌قانونی بود که کیفرخواست علیه متهم صادر شد و پرونده به دادگاه کیفری استان تهران رفت. در جلسه رسیدگی بعد از اینکه نماینده دادستان تهران کیفرخواست را خواند، اولیای‌دم اعلام کردند درخواست قصاص دارند و متهم نیز دفاعیات خود را مطرح کرد و هیأت قضات بعد از شور اعلام کردند متهم را مجرم دانسته و رأی بر قصاص صادر کردند. رأی صادره مورد اعتراض قرار گرفت و دیوان‌عالی کشور با توجه به ادعایی که متهم مطرح کرده بود، خواستار بررسی وضعیت روانی متهم در پزشکی‌قانونی شد. روز گذشته جلسه رسیدگی به این پرونده در شعبه ۱۰ برای دومین‌بار برگزار شد. بعد از قرائت مجدد کیفرخواست، اولیای‌دم نیز اعلام کردند که همچنان بر درخواست قصاص خود پافشاری دارند. وقتی نوبت به متهم رسید، او جملات کوتاهی در دفاع از خودش گفت و اعلام کرد به دلیل اینکه شیشه مصرف کرده بوده مرتکب قتل شده است. او گفت: شیشه عقلم را از من گرفته بود، یادم نمی‌آید دقیقا چه اتفاقی افتاد اما قبول دارم زنم را کشتم و از کرده خودم پشیمان هستم. با پایان جلسه رسیدگی، هیأت قضات برای صدور رأی دادگاه وارد شور شدند.

دستور ویژه برای پرونده اعظم و دخترانش

دادستان عمومی و انقلاب مرکز استان خراسان‌رضوی در رابطه با پرونده مردی که همسر و دو دخترش را ۲۱ روز شکنجه کرده بود، دستور ویژه‌ای صادر کرد.

پس از وصول گزارشی درباره اعمال خشونت مردی در مورد همسر و فرزندانش، دادستان عمومی و انقلاب مرکز خراسان‌رضوی دستور ویژه‌ای درخصوص پیگیری این پرونده صادر کرد. برهمین‌اساس معاون دادستان و سرپرست دادسرای ناحیه چهار مشهد مأمور به پیگیری این پرونده شد. پس از انجام اقدامات اولیه قانونی، متهم دستگیر شد. نظریه پزشکی قانونی درباره صدمات وارده به این زن و فرزندانش به شعبه بازپرسی اعلام شد. اعظم و دو دختر پنج و هفت ساله‌اش به مدت ۲۱ روز توسط شوهرش به صورت وحشیانه‌ای شکنجه شدند و اکنون در بیمارستان بستری هستند. متهم این پرونده مردی معتاد به مواد مخدر صنعتی است که به همسرش سوءظن داشت. او، اعظم را در این مدت بارها کتک زده و وی را در صندوقی فلزی زندانی می‌کرد تا از نبود اکسیژن خفه شود. دو دختر این زوج نیز بارها توسط پدرشان شکنجه شدند، به گونه‌ای که فک و سه دندان یکی از آنها شکسته است. درهمین‌حال امیرحسین قاضی‌زاده، نماینده مردم مشهد گفت: درحال‌حاضر دادستان مشهد به پرونده مربوط به اعظم وارد شده و از آنجا که با انتشار این خبر افکار عمومی جریحه‌دار شده است جمعی از نمایندگان مشهد از مقام قضائی درخواست کردند که روند رسیدگی به این پرونده کوتاه شود تا هرچه سریع‌تر این پرونده به نتیجه رسیده و ابعاد ماجرا برای افکار عمومی روشن شود. همچنین نماینده مردم مشهد اظهار کرد: مطالب مطرح‌شده از سوی اعظم بیان ادعاهایی علیه شوهرش است که باید دادگاه صالحه این موارد را ثابت کند. پس بهتر است در این مرحله همه اجازه دهیم که روند قضائی طی شود. رسیدگی به این پرونده در حالی ادامه دارد که متهم ادعای شکنجه را انکار کرده و گفته است:«من، زن و بچه‌هایم را خیلی دوست دارم و اصلا به خاطر نمی‌آورم آنها را اذیت کرده باشم. اگر این کار را کرده‌ام معذرت می‌خواهم. آزادم کنید تا جبران کنم. من فقط دوست نداشتم آنها زیاد بیرون بروند، مزاحم در خیابان‌ها زیاد است، اما آنها را زندانی نکردم».

تعرض ۲ دوست اینترنتی به دختر ۱۴ساله

دختر نوجوان ساکن شهرستان بروجن از دو پسر به اتهام تعرض شکایت کرد. این دختر به مأموران گفت: دو پسر جوان مرا با نقشه به یک خانه کشاندند و هنگام آزار و اذیت از من فیلم گرفتند و مدام مرا تهدید می‌کنند که آبرویم را خواهند برد. این دختر ۱۴ساله گفت: در یکی از گروه‌های چت با فردی ۲۶ساله به نام علی آشنا شدم. ابتدا، چت‌کردن با علی برایم یک سرگرمی بود و برای اینکه اوقاتم را بگذرانم با او چت می‌کردم، ولی کم‌کم این نوع گفت‌وگو روی دیگری به خود گرفت. آن‌قدر از نظر احساسی مرا تحریک می‌کرد که دیگر نتوانستم مقاومت کنم و با او دوست شدم. در این مدت که با هم دوست بودیم نه تنها نحوه گفت‌وگویمان عوض شده بود بلکه به خواست طرفین عکس‌هایمان را بین همدیگر ردوبدل می‌کردیم. دور از چشم خانواده‌هایمان هرچند وقت یک‌بار در خانه علی با هم قرار ملاقات می‌گذاشتیم. علی به من قول داد به خواستگاری‌ام می‌آید و به محض اینکه شرایطش مهیا شد با هم ازدواج می‌کنیم. همه چیز داشت خوب پیش می‌رفت تا اینکه بعد از ۱۰ماه دوستی، یک روز، زنگ زد و گفت بنا به دلایل شخصی دیگر نمی‌خواهد به این رابطه ادامه دهد. این حرف برایم سنگین و غیرقابل تحمل بود، او چطور توانست با احساساتم بازی کند و به همین سرعت به این دوستی خاتمه دهد. علی از من خواست برای آخرین‌بار همدیگر را ملاقات و این‌طور از هم خداحافظی کنیم. من هم برای اینکه در این دیدار او را متقاعد کنم که دوستی‌مان همچنان ادامه داشته باشد این پیشنهاد را پذیرفتم. دختر نوجوان در ادامه گفت: وقتی سر قرار، که خانه‌شان بود، رفتم، متوجه شدم علی به همراه یکی از دوستانش آنجاست؛ تازه متوجه نقشه‌شان شدم ولی دیگر دیر شده بود. آن روز از آن صحنه فیلم گرفتند و این فیلم تهدیدی برای سوءاستفاده‌های بعدی شد. مأمور کلانتری جانبازان شهرستان بروجن استان چهارمحال‌وبختیاری بعد از شنیدن این اظهارات بلافاصله با دریافت دستور مقام قضائی برای دستگیری متهمان اقدام کردند. به گزارش رکنا، متهمان پس از بازداشت به جرم خود اعتراف کردند و پرونده پس از تکمیل تحقیقات برای صدور حکم به دادگاه ارسال شد.

رخداد

انهدام باند ۱۷ نفره سرقت

● رئیس‌پلیس آگاهی فرماندهی انتظامی گلستان از دستگیری اعضای باند ۱۷ نفره سرقت در استان‌های شمالی کشور خبر داد و گفت: این افراد به ۵۷ فقره سرقت اعتراف کرده‌اند. سرهنگ محمدرضا اکبری اظهار کرد: اعضای این باند در استان‌های گلستان، مازندران و سمنان مرتکب جنایت و سرقت‌های متعدد شده‌اند. وی اضافه کرد: در این باند سرقت هشت‌نفر به‌عنوان عوامل اصلی و مابقی به‌عنوان مالخر فعالیت داشته‌اند که هم‌اینک با قرار وثیقه جهت کشف سایر جرائم در بازداشت هستند. سرهنگ اکبری ادامه داد: از مجموع مالباختگان تاکنون ۴۰ نفر شناسایی شده‌اند و تلاش برای شناسایی سایر مالباختگان ادامه دارد. وی درخصوص نحوه دستگیری اعضای باند گفت: مهرماه سال گذشته واحد گشت کلانتری علی‌آبادکتول به یک دستگاه خودرو مظنون و با بررسی سابقه، مشخص شد خودرو در سرقتی مسلحانه در شاهرود به سرقت رفته است به همین دلیل برای توقیف و دستگیری سرنشینان آن اقدام شد، اما در عملیات تعقیب‌وگریز، یکی از سرنشینان با اسلحه شکاری اقدام به تیراندازی به‌سوی مأموران کرد که گلوله به چشم یک مأمور برخورد کرد و باعث تخلیه چشم وی شد. سرهنگ اکبری تصریح کرد: در ادامه، پرونده برای رسیدگی در اختیار مرجع قضائی قرار گرفت تا اینکه در آذرماه سال گذشته مأموران گشت در خیابان ولیعصر (عج) گرگان به یک دستگاه خودرو مظنون شدند که راننده به دلیل ترافیک مسیر، با برجاگذاشتن خودرو از شلوغی جمعیت استفاده کرد و متواری شد. رئیس پلیس آگاهی گلستان افزود: با بازرسی خودرو یک سلاح شکاری وینچستر، ۱۸ عدد فشنگ جنگی و شکاری، مقدار قابل‌توجهی اوراق و مواد مخدر کشف و در بررسی‌ها مشخص شد فرد متواری و این خودرو با پرونده علی‌آبادکتول در ارتباط است. وی اضافه کرد: در ادامه به منظور بررسی بیشتر و دستگیری اعضای این باند، پرونده به پلیس آگاهی منتقل و با تشکیل تیم ویژه عملیاتی در این مدت ۱۷نفر از اعضای باند در عملیات‌های مختلف دستگیر شدند. به گفته وی، یکی از جرائم اعضای این باند ضرب‌وجرح به هنگام سرقت بود که در استان مازندران حین سرقت دست چپ یک مالباخته را به‌شدت مجروح کرده‌اند. رئیس پلیس آگاهی گلستان افزود: برخی از اعضای این باند سابقه شرارت، زندان، متواری‌بودن و جرایم دیگر را دارند و از جمله یکی از آنان پیش از این حکم ۱۵سال حبس را داشته اما فرار کرده بود.

گیلنا

تنها کسی که توانست مرا با معدل ۱۵، دانشجوی دکترای پزشکی روزانه سراسری دانشگاه تهران و همکلاس رتبه‌های ۱، ۲ و ۳ کنکور نماید، استاد حسین احمدی بود

۰۹۱۲۱۹۶۵۷۰۲

استاد حسین احمدی

اولین و تنها مشاور و برنامه‌ریز کنکور از ایران / دارای مقالات برگزیده در کنفرانس‌های بین المللی آموزشی جهان: وانسیای اسپانیا inted2009/ رم ایتالیا، بانکوک تایلند و... / رتبه برتر مهندسی از دانشگاه تهران / تقدیرشده در بیش از ۲۰ منطقه آموزش پرورش سراسر کشور و دانشگاه / رتبه ۱ کارشناسی ارشد مترجمی عربی دانشگاه سراسری تهران / مؤلف جزوات، کتابها و لوح‌های فشرده آموزشی و برنامه ریز رتبه‌های برتر کنکور از سال ۱۳۷۳ تا به امروز / بنیانگذار برنامه‌های رادیو تلویزیونی «**کنکور آسان است**» و «**درس خواندن آسان است**»، «**طعم مطالعه**»، **مدیر مسئول گیلنا و رمز زندگی**

از همون سال‌های اول تحصیل که وارد دبستان شدم آرزو داشتم جراح مغز و اعصاب بشم پدر و مادرم هم توجه خاصی به تحصیل من داشتند و همیشه پیگیر درس خوندن من بودند کلاس پنجم ابتدایی بودم که یکی از همکارهای مادرم یک معلم خصوصی به ما معرفی کرد با شرکت تو کلاس‌های این معلم تب و تاب من برای شرکت در آزمون تیزهوشان آغاز شد پیگیری‌های پدر و مادرم ادامه داشت و من با تلاش بیشتری درس می‌خوندم؛ بالاخره بعد از چند ماه تلاش آزمون فرا رسید اما متأسفانه نتونستم در این آزمون قبول بشم وقتی مادرم این خبر را بهم داد باور نکردم و گفتم باید با چشم‌های خودم ببینم، که حتی یادمه پدرم منو برد به مدرسه راهنمایی شهید اژه‌ای (تیزهوشان اصفهان) و من با چشم‌های خودم دیدم اسمم تو لیست قبولی‌ها نیست و این اولین شکست درسی من بود!!!

دیگه از اون به بعد هیچ انگیزه‌ای برای درس خوندن نداشتم در دوران راهنمایی یک دانش آموز کاملاً معمولی بودم و فکر اون شکست هر روز صبح وقتی وارد مدرسه می‌شدم با دیدن تابلوی مدرسه واسم تازه می‌شد.

دوران راهنمایی سپری شد و وارد دبیرستان شدم؛ سال اول دبیرستان رو هم پشت سر گذاشتم و برای انتخاب رشته، رشته تجربی را انتخاب کردم بعد از اینکه رشته تجربی را انتخاب کردم همه‌ی شب‌های تابستون وقتی شب می‌خواستم بخوابم به این رشته فکر می‌کردم و ترس از شکست مجدد فکر تغییر رشته را هر شب تو ذهن می‌آورد. بالاخره دوم و سوم دبیرستان گذشت. سال سوم وقتی معدل کتبی دیپلمم رو دیدم شکست دوم را خوردم و باز هم هدفم برام کمرنگ‌تر شد رسیدم به تابستون سال چهارم دبیرستان که با خودم بعد از امتحانات نهایی فکر کردم که دیگه واقعاً باید یک فکر اساسی برای درس خوندنم بکنم اما متأسفانه نتونستم حتی یه دونه از کارهایی را که می‌خواستم، انجام بدم. سال تحصیلی چهارم فرا رسید سه ماه از سال تحصیلی هم گذشته بود و اون موقع بود که فهمیدم حرفایی که بقیه می‌زنن یعنی معلم‌ها و همکلاسی‌هام شاید درست باشه که می‌گن تو چه جوری می‌خوای جراح مغز و اعصاب بشی تو نهایت شانس بیاری پرستاری دانشگاه آزاد قبول می‌شی!! چون من همیشه سر کلاس‌ها می‌گفتم من جراح مغز و اعصابم. یه شب وقتی از کلاس خصوصی خسته برمی‌گشتم تو تاکسی با راننده تاکسی صحبت کردم و به راننده تاکسی وضعیتمو گفتم و راننده گفت با این که من سر رشته‌ای از درس خوندن ندارم اما یه برنامه رادیویی هست خیلی جالبه گوش بده در مورد کنکور حتماً کمکت می‌کنه

من همون لحظه فکر کردم این حرفا حتماً یه نشونه‌ای برای تغییر زندگیمه.

رسیدم خونه و رادیو رو روشن کردم و اولین جمله‌ای که شنیدم این بود کنکور آسان است!! واقعاً کنکور آسان است؟! همه که می‌گن کنکور مثل یه سدّ که باید ازش بگذریم خیلی سخته و مشکله و...

یه علامت سؤال بزرگ تو ذهنم شکل گرفت چه جوری ممکنه کنکور آسون باشه؟! شماره مستقیم استاد اعلام شد بعد از چندبار تلاش تونستم با استاد صحبت کنم و وضعیت خودمو گفتم استاد گفت ابوالفضل می‌خوای رتبه چند بشی گفتم رتبه مهم نیست، پزشکی قبول شوم. گفت ابوالفضل بگو می‌خوام همکلاس رتبه‌ی یک کنکور بشم. گفتم استاد مگه میشه؟! گفت بگو و...

من سه‌بار داد زدم می‌خوام همکلاس رتبه‌ی یک

کنکور بشم می‌خوام همکلاس رتبه‌ی یک کنکور بشم. می‌خوام همکلاس رتبه‌ی یک کنکور بشم. همون شب زنگ زدم به یکی از دوستام که پزشکی دانشگاه تهران می‌خوند به اونم داستان رو گفتم غیر از اون خیلی جاهای دیگه‌ام پرس‌وجو کردم و همه گفتن با این معدل پایین، زمان کم تا کنکور و مشکلات برنامه‌ریزی که داری، فقط و فقط یک نفر می‌تواند تو را به پزشکی برسونه و اون استاد حسین احمدیه و من با استاد برنامه‌ریزی را شروع کردم و او منابع رو در اختیارم گذاشت در مورد تأثیر منابع فقط همین یک خاطره فکر کنم کافی باشه.

«من همیشه سر کلاس‌های فیزیک سؤالات زیادی می‌پرسیدم چون چیزی نمی‌فهمیدم و همیشه بچه‌ها شاکی بودن که اینقدر سؤال نپرس حتی بارها معلم‌ها از من خواستن که یا برم بیرون یا ساکت بشینم چون معتقد بودن این کلاس‌ها به درد من نمی‌خوره اما در عرض دو ماه با برنامه و منابعی که استاد در اختیار قرار دادند جوری شده بود که سر کلاس‌ها من سؤال‌ها رو در کم‌تر از ۱۰ ثانیه حل می‌کردم ابوالفضلی که بلد نبود سؤال فیزیک حل کنه الان داشت ذهنی همه سؤال‌ها رو حل می‌کرد جوری شده بود که بچه‌ها جلوی دهن منو می‌گرفتن تا جواب ندم و وقت کنن سؤال‌ها رو حل کنن و این نتیجه خودباوری بود که استاد به من داده بود و در دروس ادبیات، دینی و عربی که خود استاد احمدی تدریس می‌کنند به اوج تست‌زنی رسیدم».

بالاخره با برنامه‌ریزی‌های استاد من تو کنکور هم تونستم عملکرد مناسبی داشته باشم من می‌خواستم پزشکی قبول شوم، هر جا که باشد، سراسری، آزاد یا حتی بین‌الملل، اما به لطف خداوند و برنامه‌ریزی استاد حسین احمدی و لوح‌های فشرده ایشان، دانشجوی دکترای پزشکی روزانه سراسری دانشگاه تهران شدم و همکلاس رتبه‌های ۱، ۲ و ۳ کنکور شدم الان هم که دانشجو هستم از راهنمایی‌های استاد حسین احمدی استفاده می‌کنم.

ان‌شاءا... جراح مغز و اعصاب خوبی بشم در آینده و بتونم به مردم و کشورم خدمت کنم.

ارتباط با استاد احمدی ۰۹۱۲۱۹۶۵۷۰۲

ارتباط تلفنی و پیامکی ۰۹۱۲۱۰۰۹۶۵۶ - ۰۲۱-۶۶۴۰۹۰۰۷

گیلنا: گروه یادیار سازان لوح‌های فشرده نشر احمدی

ارتباط تلفنی و پیامکی با استاد احمدی ۰۹۱۲۱۹۶۵۷۰۲

ارتباط تلفنی و پیامکی با استاد احمدی ۰۹۱۲۱۰۰۹۶۵۶

به‌نام خداوندی که مهربانترین است

خواستن، توانستن است؛ خواستم و رتبه ۱ شدم...

دوران مدرسه

دکتر محمود اکبری
رتبه ۱ دکتری تخصصی
مدرس دانشگاه

دکتر محمود اکبری هستم. مدرس دانشگاه. رتبه‌ی یک کنکور دکتری تخصصی. وقتی به دوران دبیرستانم فکر می‌کنم تنها چیزی که به یادم می‌آد، اینه که استرس کنکور داشتم، درس می‌خوندم، درس می‌خوندم و درس می‌خوندم!!! اما متاسفانه با وجود تلاش‌های بسیار نتیجه‌ی قابل قبولی در آزمون‌های آزمایشی دریافت نمی‌کردم. دائماً ساعت مطالعه‌ی خودم رو بالا می‌بردم ولی باز هم نتیجه برایم قابل قبول نبود. از وقتی که به‌صورت تخصصی وارد بحث کنکور و مشاوره شدم، تازه فهمیدم مشکل کارم کجا بود. «نداشتن منابع خوب کنکوری»، نداشتن دبیر مجرب، «عدم وجود فضای کنکوری مناسب در مدرسه»، عدم برنامه‌ریزی اصولی و... باعث می‌شد نتوانم نتیجه قابل قبولی بگیرم.

خب به هر حال توی همچین شرایطی نتیجه خوب گرفتن، سخت بود. خیلی زحمت می‌کشیدم، خیلی تست می‌زدم، پدر و مادرم واقعاً باهام همکاری می‌کردند، اما همه‌ی این تلاش‌ها اصولی و تخصصی نبود.

بالاخره روز کنکور فرا رسید و با کلی توکل به خدا رفتم سر جلسه. وقتی از جلسه بیرون اومدم مطمئن بودم که هیچی قبول نمی‌شم. واقعاً ناراحت بودم. نمی‌توانم چطور برایتان توصیف کنم...

نتایج کنکور

به هر حال زمان گذشت و نتایج کنکور اومد. من هدفم دانشگاه تهران بود ولی نشد و از مدرسه ما فقط یک نفر قبول شد و اون نفر من بودم دوره‌ی لیسانس رو در دانشگاه بوعلی سینا گذراندم. همیشه خودم رو سرزنش می‌کردم که چرا اینطوری شد. از سال دوم دوره لیسانس تصمیم گرفتم که توکل به خدا بگم و خودم رو برای کنکور ارشد آماده کنم و اینبار کاملاً حرفه‌ای و تخصصی درس بخونم و کمبودها و نقص‌های دوره دبیرستانم رو برطرف کنم. دیگه نمی‌خواستم شکست بخورم. باز هم تلاش تلاش تلاش و این بار کاملاً حرفه‌ای و مجرب.

مقطع کارشناسی ارشد و دکتری

به لطف خدا رتبه‌ی ۱۵ کنکور کارشناسی ارشد رو کسب کردم اما این واسم کافی نبود. از همون ترم اول کارشناسی ارشد به کنکور دکتری تخصصی فکر می‌کردم. از صبح تا شب سالن مطالعه بودم و فقط درس می‌خوندم. ناهار رو هم توی سالن مطالعه می‌خوردم! آنقدر تلاش می‌کردم که باعث تعجب دوستان و آشنایانم بود. خدا رو شکر طی ۲ سال مطقع فوق‌لیسانس رو تموم کردم و با گفتن لاحول‌ولاقوه‌الی‌با... سر جلسه کنکور دکتری تخصصی حاضر شدم. این بار از تکنیک‌های ۱۲ گام موفقیت در کنکور استفاده کردم و هدفم فقط رتبه ۱ شدن بود تنها چیزی که می‌تونم بگه اینه که عالی بود! رتبه ۱ کنکور شدم. سریع به بابا، مامانم زنگ زدم و بهشون خبر دادم. درسته که خیلی زحمت کشیدم و تخصصی درس خوندم ولی واقعاً لطف و کمک خدا بود که تونستم رتبه ۱ بشم.

زکات علم

می‌گن زکات علم در نشر اوست؛ من هم از همان موقع به خودم قول دادم تا اونجا که می‌توانم داوطلب‌های کنکوری رو کمک کنم و تجربیاتم رو در اختیارشان قرار دهم و باعث قبولی‌شان در کنکور شوم. تا امروز داوطلب‌های زیادی داشتم. خیلی‌هاشون به لطف خدا رتبه برتر شدن و به آرزوشون یعنی دندانپزشکی، داروسازی، پزشکی، برق، مکانیک، حقوق، روانشناسی و... رسیدند. دانشجوی دکتری بودم که ازدواج کردم. اون موقع همسرم سال ۵ دندانپزشکی بود. به لطف خدا، با سختکوشی‌ها و تلاش‌های وصف‌ناپذیر همسرم و مشاوره‌ها و برنامه‌ریزی‌هایی که من واسش انجام می‌دادم، همسرم تونست در کنکور تخصص دندانپزشکی بدرخشد و در رشته ارتودنسی دندانپزشکی دانشگاه تهران (پرمتقاضی‌ترین رشته‌ی تخصصی دندانپزشکی) پذیرفته بشه.

وقتی که من و همسرم ازدواج کردیم، خواهر خانمم سال سوم دبیرستان بود و آرزوش رشته داروسازی! ایشون هم خیلی زحمت می‌کشید و یه عالمه استرس داشت که نکنه در رشته داروسازی پذیرفته نشه. باز هم خدا رو شکر که ایشان هم با تلاش بسیار خودش و با صحبت‌ها و برنامه‌ریزی‌هایی که واسش انجام دادم، توانست در رشته داروسازی دانشگاه سراسری پذیرفته شود و باعث افتخار ما شود.

دکتر هما فرهادی فرد
رزیدنت ارتودنسی
دانشگاه تهران
رتبه ۱ دانشکده

در حال حاضر اینجانب در کنار تدریس در دانشگاه و هدایت پایان‌نامه‌های فوق‌لیسانس این افتخار را دارم که در انتشارات گیلنا در کنار استاد حسین احمدی انجام وظیفه کنم و به مشاوره و راهنمایی داوطلبان کنکوری بپردازم. همچنین شیمی را ناب تدریس کرده‌ام. داخل لوح‌های فشرده‌ی شیمی، درسنامه‌ای کامل و جامع مطرح کرده‌ام، ۲۰ سال کنکور رو تست حل می‌کنم، حتی تست‌های المپیاد شیمی رو نیز حل کرده‌ام و کاری کرده‌ام که داوطلب عزیزمان روی مباحث شیمی مسلط شوند و با اوج قدرت شیمی‌رو ۱۰۰ بزنند.

غزل فرهادی‌فرد
دانشجوی داروسازی

جهت دریافت ۱۲ گام رتبه برتر کنکور شدن و مشاوره و برنامه‌ریزی با اینجانب و استاد حسین احمدی با شماره‌ی ۰۹۱۲۱۹۶۵۷۰۲ تماس بگیرید و برای دریافت لوحهای فشرده شیمی اینجانب با شماره تلفن ۰۹۱۲۱۰۰۹۶۵۶ تماس بگیرید

ارتباط مستقیم با استاد حسین احمدی: ۰۹۱۲ ۱۹۶۵۷۰۲ - ۰۲۱ - ۶۶۴۰۹۰۰۷